نظامی گنجوی

بصیری (بینا)، تراب

بده تا در ایوان بارش برم‏ چو شنگرف سوده به کارش برم(ش)

ب-توتیا(اکسید روی)،تقویت‏کننده‏ی‏ بینایی‏ست.

ای خاک تو توتیای بینش‏ روشن به تو چشم آفرینش(هـ)

ج-مومیا(نوعی هیدرو کربور نفتی)درمان‏ شکستگی‏هاست.

فلک تا نشکند پشت دوتایی‏ به کس ندهد یک جو مومیایی(خ)

د-یاقوت:نوعی سنگ قدیمی که بنا به‏ عقیده‏ی قدما درمان وباست.

دل راست کن از بلا میندیش‏ یاقوت خور از وبا میندیش(هـ)

هـ-گل سر شوی و اثر خوب آن در زیبایی‏ مو.

گل سر شوی از این معنی که پاک است‏ به سر بر کنندش،گرچه خاک است(خ)

و-صدف:مروارید درون صدف را مایه‏ی‏ سفیدی دندان می‏دانستند.

وان دو سه تن کرده ز بیم و امید زان صدف سوخته دندان سپید(م)

3-درمان جراحی

الف-آمپوتاسیون(قطع عضو)در کژدم زدگی از بالای محل زخم جهت‏ پیشگیری از سرایت سم به قسمت‏های بالاتر و گانگرنه شدن عضو.

چو مار گزیده گردد انگشت‏ واجب شودش بریدن از مشت(هـ)

ب-حجامت(آنجیدن)که یکی از درمان‏های رایج در طب قدیم است.

علاج الرأس او آنجیدن گوش‏ دم الاخوین او خون سیاوش(خ)

4-فیزیوتراپی:پوشاندن لباس آبی رنگ به‏ کسی که یرقان(زردی)دارد.در طب نوین‏ امروز هم از نور آبی رنگ در درمان یرقان نوزاد استفاده می‏شود.(فرتوتراپی)

هر نگاری که زرد بود بدنش‏ لاجوردی کنند پیرهنش(هـ)

5-روان درمانی:تلقین،در داستانی از منظومه‏ی هفت پیکر پیرزنی با دادن آش‏ دروغین(مزورّ)بیماری را درمان می‏کند.

تا همان پیرزن دوا بشناخت‏ پیرزن وارم از دوا بنواخت‏ درد و غم را مزورّی فرمود داشت ناخوردن آن مزورّ سود(هـ)

در طب نوین هم داروی دروغین که‏ دارونما Olacebo نامیده می‏شو،کاربردهای‏ مختلف دارد.

باب هشتم:در پرهیز

الف-رعایت پرهیز در سلامتی و بیماری‏

پرهیز نه دفع یک گزند است‏ در راحت و رنج سودمند است‏ در راحت ازو ثبات یابندض‏ وز رنج بدو نجات یابند(ل)

ب-پرهیز از نمک،نکوهش افراط در خوردن آن

خورش‏ها را نمک،رو تازه دارد نمک باید که نیز اندازه گردد(خ)

ج-پرهیز از غذاهای ناسازگار در یک‏ وعده‏ی غذایی

چو با سرکه سازی مشو شیر خوار که با شیر سرکه بود ناگوار(خ)

باب نهم:قبول مرگ

حکیم نظامی مرگ را به عنوان یک‏ واقعیت که باید آن را پذیرفت،می‏داند و تلویحا توصیه می‏کند که پزشک نباید از شکست‏ درمانی خود سرخورده شو.

1-

دوا گر بود هم چو آب حیات‏ وفا چون کند چون درآید وفات‏ طبیب ار چه داند مداوا نمود چو مدت نماند،از مداوا چه سود(الف) 2-نشاید شدن مرگ را چاره ساز در چاه بر کس نکردند باز تب مرگ چو قصد مردم کند علاج از شناسنده،پی گم کند(الف) 3-وگر خود علم جالینوس دانی‏ چو مرگ آید به جالینوس مانی(خ)

باب دهم:نتیجه

عنایت به مطالب گفته شده در این مقاله‏ وجه نثار لقب«حکیم»به این شاعر نامدار را به‏ خوبی توجیه می‏کند،لقب و عنوانی که سابقا در ایران و حتا اکنون در ایران شمالی(جمهوری‏ آذربایجان)مختص پزشک است.

منابع و ماخذ

(1)-نظامی گنجوی،مجلدهای شش گانه،انتشارات‏ آتلیه هنر،محمد سلحشور،تهران،1371.

(2)-مجموعه‏ی مقالات کنگره‏ی بین المللی‏ تاریخ پزشکی در اسلام و ایران،تهران،1371، علی‏اکبر باقری خلیلی،دکتر بهروز ثروتیان،دکتر فاطمه علاقه

(3)-نشریه‏ی فرهنگ،خمسه‏ی نظامی از دیدگاه‏ پزشکی،نور الدین شازده احمدی.

(4)-لغت نامه‏ی دهخدا.

(5)-فرهنگ فارسی معین.

نظامی گنجوی

زنده یاد دکتر تراب بصیری(بینا)

دارم بسی درود ز یاران معنوی‏ بر شاعر گزیده نظامیّ گنجوی‏ فرزانه‏یی که مانده از او گنج شایگان‏ دارد به سرزمین ادب فرّ خسروی‏ در ملک شعر باشد،گوینده‏یی به نام‏ در گفت خویش دارد،گفتار پهلوی‏ گوینده‏یی بزرگ که دارد کلام او آهنگ روح پرور ابیات مثنوی‏ شور و نوای عشق رساند به گوش دل‏ گر گفته‏های دلکش زیباش بشنوی‏ اشعار نغز او که بود خوب چون شکر باشد نظیر سعدی و هم وزن مولوی‏ او را ستوده‏اند به دانایی و خرد مانند اوستاد سخن میر دهلوی‏ در پنج گنج خویش نهاده است سیم و زر وی را نبوده است به سر آجر دنیوی‏ «بینا»ثنای شاعر گوید به راستی‏ هم چون ندای موسی و انفاس عیسوی‏ «هرگز نمیرد آن‏که دلش زنده شد به عشق» باشد همیشه زنده به الطاف معنوی

حافظ:با تشکر از دکتر هوشنگ‏ بدیعی پزشک عالی‏قدر که نسخه‏یی از «اشعار پراکنده»ی این شاعر شیرازی که به‏ اهتمام ایشان به چاپ رسیده است،را به‏ حافظیان،هدیه کرد.پیش از این نیز به‏ پایمردی دکتر مهدی پرهام یادی از این‏ شاعر در صفحات همین مجله کرده‏ بودیم؛با تشکّری ویژه از همه‏ی‏ گردانندگان و اعضای فرهیخته‏ی«مجمع‏ فارسیان تهران».